

اعلان کنند که عمدتاً حقوقشان در تحت تأییدات محکم است و همچنین
 حقوق مالیون حفظ میشود و چون این تسرار عمومی برضایت هر دو طرف
 مجری گردد اگر عتصافی اتفاق افتد جمیع دول عالم با تمام معاومت
 کنند و آلا کار تجاریهای زیاد میگردد علی الخصوص در اروپا معرکه خواهد شد و
 جمله یکی از اسبابهای حرب عمومی در اروپا همین مسأله است شوال اصحاب
 اموال یکی معدن دارد یکی فابریقه دارد اگر ممکن باشد صاحبان معاومت
 و فابریقه در منافع با کارگران شریک باشند معذلکه از حاصلات صدی
 چند بعمولات بدهند تا عمده غیر از مزد نصیبی نیست از منافع عمومی که کارخانه
 داشته باشند تا بجهان در کار بکشند و در آینده احتکار باقی نماند مسأله احتکار
 بکلی بجم منجمد و همچنین سهم فابریقه که ده هزار سهم دارد در این ده هزار سهم
 از منافع دو هزار سهم را با سهم کارگران نمایند که مال نصیب باشد و باقی مال
 مالیون بعد از آخر ماه یا سال هر چه منفعت میشود بعد از مصارفات و مزد
 بر حسب عدد اسهام در میان هر دو طرف تقسیم کنند فی الحقیقه تا بحال
 خیلی ظلم بعوام شده باید قوانین گذارند زیرا کارگران ممکن نیست با وضع

حالیه رضی شوند هر سال همراه اعتصاب کنند آخرالامر ضرر مایهون
است «

در جواب سوالی قور العزیز : « ایستہ کارکنان چون در کارخانه
با یکی شرکت حاصل نمایند از قبل خود نفوسی برای مشورت انتخاب
خواهند کرد و تعیین است آنکه مایه بیشتر سهم بیشتر دارد «

در سفرنامه امریکاست قور بھیل : « عظیم از اساس اشتراکین
در ادیان الهی موجود شد در حکم الهی و یوترون علی انفسهم ولو کان حکم
خاصه است می فرماید که از خصائص و یا تحاج اموال خود انفاق نمایند
و دیگران را بر خود ترجیح دهند ولی برضایت و نهایت روحانیت ولی
اشتراکیون میخواهند اشتراک و مساوات بزور جاری نمایند با آنکه مساوات
که حکم الهی است شکر است چه که صاحب نعمت باید دیگران را مقدم بر
خود داند این جاری میشود سبب آسایش خلق و نمودن نظم عالم است
زیرا ماکول بر غیبت و رضایت تنفق است ولی اشتراک و مساوات
با آنکه سهولت است و صاحب نعمت باید دیگران مساوی است نه مؤخرین

جاری نمیشود و باعث فتنه و آشوب است زیرا منوط بصف و حیرت
 نبی در الواح حضرت بنا و الله است که اگر صاحب ثروتی در تربیت
 اولادش کوتاهی نماید محض عدل باید او را مجبور بر امانت و تربیت کند
 ولی این رایج بخاندان آن غنی و در تحت انتظام انجمن عدل است
 مقصد آن بود که عظیم از مساوات و اشتراک در دین الله موجود است
 و نفوس مانند سلطان آتشدار بودند که در ایام سختی جمع اموال خود را
 صرف فقراء و ضعیفان مینمودند «

و قوله العزيز : « دین الله شمس پارس علیها بنار الله الاهی
 هو الله ای دختر خلوتی من در راه آهن رو به سانفرانسیسکو میروم بیای
 خوی تو اقدام و بسیار روی تر حزبی کوچک لند افور آب تحریر این نامه
 پرداختم این را بدان که نهایت سرور من وقتی است که آن دختر عزیز را
 بینم گشته و سودانی و مشهور بشیدانی و منتون جمل الی و منجذب بنجاست
 جنت ایی و مشتعل بنار محبه الله است چون شمع بوزد و بگدازد
 و لکن بجمع نور بخشد و امید چنان است که چنان گری در خصوص سائده

اقتصادی که بموجب تعالیم جدید است از برای شما مشکل فکری حاصل
 شده بود بسیار چنان نبود ولی روایت چنان گشته لهذا اساس
 را از برای شما بیان میکنم تا واضح و مبرهن شود که این سؤال اقتصادی
 جز بموجب این تعالیم حل تمام نیاید بلکه مستنع و محال و آن این است که
 این سؤال اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا مستحق باضاف دیگر گردد
 زیرا عدد دهقان بر تسبیح اضاف ضعاف منافع است لهذا
 سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و دهقان اول عامل است
 در هیات اجتماعی باری در هر قریه باید که از عقلا و آن قریه بومی تشکیل
 شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن معرفت آن انجمن از حاصلات
 عموم متفادیری معین بجهت آن مخزن گرفته شود این مخزن هفت
 واردات دارد؛ واردات عشریه، رسوم حیوانات، مال بیواریت،
 نقطه یعنی چیزی که یافت شود و صاحب نداشته باشد، دغینه اگر پیدا
 شود شش راجع باین مخزن است، معاون شش راجع باین مخزن است
 و تبرقات خلاصه هفت مصرف دارد؛ اول مصارف معتدله عمومی

مانده مصارف مخزن و اداره صحت عمومی ثانی ادای عسکر حکومت ثالث
ادای رسوم حیوانات حکومت رابع اداره ایام خامس اداره احاطه
عجزه سادس اداره مکتب سابع اكمال معیشت ضروریه فقیران
اول واردات عسکرات و آن باید چنین گرفته شود مثلاً ملاحظه میشود که
یکنفر واردات عمومی اش پانصد دلار است و مصارف ضروریه اش پانصد
از او چیزی عشر گرفته میشود شخص دیگر مصارفش پانصد دلار است ولی وارداتش
هزار دلار از او عشر گرفته میشود زیرا زیادتر از احتیاجات ضروریه دارد اگر عشر
بدیده در پیش خلی وارد نگردد دیگری مصارف او هزار و وارداتش پنجاه هزار از او
یک عشر و نصف گرفته میشود زیرا اضافه زیاد دارد و شخص دیگر مصارف لازم اش
هزار دلار است ولی وارداتش ده هزار از او دو عشر گرفته میشود زیرا اضافه
زیادتر دارد و شخص دیگر مصارف ضروریه اش چهار یا پنجاه دلار است ولی وارداتش صد
از او ربع گرفته میشود دیگری صلاتش دویست دلار است ولی احتیاجات ضروریه اش
که قوت لایموت باشد با پانصد دلار مدعی و بعد قصوری ننموده ولی کسی برکتی نیافته
این شخص باید از مخزن معاونت بخواهد تا حاجت او برآورده شود و در هر قدر ایام باشد

بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود از برای
 مجزه ده باید مقداری تخصیص نمود از برای نفوس از کار افتاده محتاج باید از این
 مخزن مقداری تخصیص نمود از برای اداره معارف مقداری از این مخزن
 باید تخصیص نمود و از برای صحت اهل ده از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود
 و اگر چیزی نیابد باید تعقل و بصندوق عمومی است بجهت معارف عمومی که
 چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیأت اجتماعیه در نهایت
 راحت و سرور زندگی نماید و مراتب نیز باقی ماند در مراتب ابدی عقلی
 و واقع گردد زیرا مراتب از لوازم ضروری هیأت اجتماعیه است هیأت
 اجتماعیه مانند اردویی است در اردو مارشال لازم جزاں لازم گوزر کاپیتان
 لازم و غیر لازم ممکن نیست که کتف صنف واحد باشد حفظ مراتب لازم است
 ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و آسایش زندگی نماید
 همچنین شهردا ولی لازم ماضی لازم تا جو لازم غنی لازم اصناف لازم و ذریع لازم
 است البته این مراتب باید حفظ شود و الا انتظام عمومی مختل گردد بجانب
 مستر بار نیز نهایت اشتیاق و محبت ابرام دارند بر گزار و افراد موش تنام

و اگر ممکن باشد این نامه را در یکی از مجامع نشر نمایند زیرا در ایران بنام خویش
 این قانون را اعلان نمایند و بعد از آن تکمیل این امر را بهی اطلاع دارید
 و علیک ابها و الا ہی مع «

در خطابات حضرت عبد البهاء که در اروپا و امریکا ادا فرمودند
 غالباً مواضع ذیل را بعنوان تعالیم حضرت بهاء الله شمرند و در تفصیل توضیح
 بتناسب محل دادند:

« ۱ توحیدی حقیقت ۲ وحدت عالم انسانی ۳ هوای
 ادیان یکی است ۴ رفع تعصبات ۵ دین باید ایجاد است
 و اتحاد نماید ۶ دین باید مطابق عقل و علم باشد ۷ تعلیم و تربیت
 عمومی ۸ تساوی رجال و نساء ۹ زبان و خط عمومی ۱۰ صلح
 عمومی ۱۱ اتحاد دول و مملکت‌گیری ۱۲ تعدیل اقتصاد «

و در بعضی از خطابه‌ها: محبت الله و استغنازه از روح القدس و تنگیک
 سیاست از دین را هم بعنوان تعالیم حضرت بهاء الله شمرند و در خطاب
 به میرزا محمدسودرزرقانی که ادا فرمودند جناب مشر ششمه الله باید ترجمه

الواح نماید تعالیم بدین ترتیب مسطر می‌باشد :

- ۱ وحدت عالم انسانی ۲ صلح عمومی ۳ تحریر حقیقت
- ۴ تألیف قلوب بقوه ریانت ۵ تطبیق علم و دین ۶ ترک
- تعصبات ۷ تأسیس مکتب کبیری ۸ عدالت بین نساء و ذممه
- ۹ تعمیم معارف ۱۰ خنجر اعزاز علم و دین ۱۱ عبادت
- بودن حرف و صنایع ۱۲ حصر جهاد بلسان و بیان «

www.tabarestan.info
نیرستان

فصل سوم

در بیانات حضرت ولی امر الله راجع به نظم اداری این مروجان

نام و مقام

در خطابی به بیانیان فردوس توسط حاجی شاه خلیل الله در تاریخ ۱۹۲۳
 قوله بعزیز : در جای شدید و امید و طیدم از اجبای الهی آن است
 که هرگونه اسم و لقبی و نام و نشانی و نعت و سستی را با نسبت به این عبد ذلیل
 آستاش از نظر محو سازند بلکه فراموش نمایند و جز به شوقی افندی چه کتبا و چه
 شفاه مخاطب نسازند چه که این نام نامی است که از زبان پر صلوات مولای
 خنوم جاری میگشت و فخر و فرح و مباهاتم در این نام است پس احرامات
 فائده تعظیم و تکریم مغرطار او در کنار گذارند و در عبودیت عقیده مقتدره اش
 این عبد را برادر و سیم خود دانند و آنچه را تصنیف و نظم نمایند در نعت
 و اوصاف مبارکش باشد شرح فرارش را نمایند و در ذکر آیام خیر مبارک
 و سعادتش برفیق اعلی باشد این مناسب است و ما دون آن موردش

خرن و کدر این فانی .

و در خطاب بمحصل روحانی بی‌شئی قول العزید : « در جای اخیرم آن است
 که در اسلالت و مذاکرات اجبای الهی بزرگشوقی انقدی مرا مخاطب
 نمانند فخر و سبابت این عبد باین نام است و بس چه که از فم اهل صلاه
 می‌گشت و در نظرم از هر گونه اسم و لقبی عزیز تر و شیرین تر و شریف تر است
 و همچنین احترامات فائده و تعظیم و تکریم از هر قبیل مخالف و مباین حال
 و تنای این عبد است نظر بر او راه نمائید و این نظر را در اعمال و وجود ^{شده}
 نسبت باین فانی ابراز و اظهار نمائید چه که از برای حال روحانی این عبد
 بهتر است و از برای ترقیات در عوالم معنویه اوفق و انب . »

محافل روحانی و دستوراتش

و نیز قول المطاع : « در هر نقطه چه شروه چه قریه که عده مؤمنین از محل
 از سن بیت و یک و مافوق آن تجاوز دارند نموده اجبای آن نقطه زلف
 از جمع خود نهایت توجه و تجرد و انقطاع کتبا و مستقلا انتخاب نمایند
 و نام آنرا محفل روحانی بگذارند و تمام امور که راجع بمصلح امریه بدان نقطه است

باعضای آن محفل هر یک از اجامه را جود نمایند تا پس از شورت دقیق
و مذاکره تمام هر یک از اعضای محفل روحانی در نهایت حریت ابدی را
خوش نماید و با اتفاق آراء با اکثریت ولو آنکه رای اکثریت مخالف واقع
باشد و عاری از مواب «

و قوله الوحید: « از قبل اشاره شد که در بلاد شرق در هر طبله و قریه که
عده مؤمنین از رجال ائمن بیت و یک دما فوق آن از تاجان خوده محفل
روحانی در نهایت حریت و صفا و کت و مسانت تائیس گردد و حضرت
امام الزمخدری چون امر محباب در این ایام معمول بود جاری است منتخبند
منتخب و تمام محافل و انجمنهای یاران از اجامه الله و امام الزمخدری آنچه
تائیس و تائیس میگردد کمال باید در ظل محفل روحانی آن نقطه باشند یعنی
محفل روحانی که حضرات امام الزمخدری در انتخاب اعضایش حق تصویب
یعنی ابدی رأی دارند گمانه مرکز امور ائمه یاران از رجال و نساء است
تعددش در یک نقطه از تعاطا لازم و جائزه و چون واضح و مؤثرترین
و احکام غیر منصوصه در کتاب الهی یعنی بیت عدل عمومی که نفس الهی

باید وسیع بلاد بقاعده انتخاب مصلحت در بلاد غرب تنگ و انتخاب نمایند
 تائیس گردد ترمیمی جدید و قانونی محکم و متین و مشروطاتی کامل تشریح نماید
 و تائیس کند و تمام انجمنهای یاران چه خصوصی و چه عمومی چه داخلی
 و چه مرکزی کل بدخل آن و مقسب از آن و مؤسس برآند حال عبادت
 این بیت عدل عمومی تنگ نگشته محافل روحانی یاران شرق و غرب
 عالم باید من دون استثناء و هر سالی در یوم اول عید سعید فطران تجدید شود
 و انتخابات در آن یوم مبارک باید در نهایت تسامت و روحانیت شروع
 شود و اجراء گردد و اگر ممکن همان یوم نتیجه انتخابات معلوم و اعلان شود
 و اصول انتخاب از این قرار: چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران
 متحد استقامت و جهادیه منقطعاً من روز طابا هدایت استعینا من فضل الله
 و جان اقدام با انتخاب نمایند و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را
 از وظایف مقدسه همه و وجدانیه خویش شمرند اید و اجمال در این امر نکنند
 و کناره گیرند و دوری بخویند تخمین و مستخین بسو چه دم از استعفا ترند
 بلکه در نهایت افتخار و جدیت و سرور ابدای برای نمایند و عضویت محفل را

قبول نمایند و اگر فی الحقیقه عذری شرعی موجود و هیچ وجه ممکن نه آنوقت
ناچار اقدام نمایند و از امام و الرحمن نفوس که اطلاع کافی بر امور امریه داشته
باشند مجبور و مکلف بر ایدای رأی هستند در صورت اطلاع اقدام باین امر
محبوب و لازم و الاغلا و یاران آن نفوس را که خالصا لوجه الله مستعد
و قابل عضویت محفل روحانی دانند بر روزه غلجده اسما و نه تفرز یاران را من
امضاء نگارند و مکتوم دارند و تسلیم محفل روحانی حالتیه نمایند تا این اوراق
جمع گردد و آن نه نفری که بیش از همه دارای اصواتند اسما و آنان اعلان
شود و این نفوس اعضای محفل روحانی گردند و اگر چنانچه در نقطه ای از تعاط
امور امریه اتساع یافته و طائفی را که در طی این نامه قبلا درج شده یعنی امر
تبلیغ و محافظه امرالله و جهد در تألیف قلوب و معاونت تجاربین و تخیل
مدارس و ترتیب محافل و مجالس یاران و مخابره با اطراف و ترویج امر
مشرق الاذکار و تالیس محبتات امریه و طبع و نشر و ترجمه الواح و بشارت
امریه و ماشا کلهما محفل روحانی هر یک را محمول بلجینه مخصوص نماید و آن بلجینه
را خود انتخاب کند و عدد اعضای هر بلجینه را هر قدر محفل صلاح و اندوختن

نماید و اعضای بجهت بار از زمین تمام اجزاء در آن نقطه چه در داخل محفل و چه خارج از آن انتخاب نماید و تمام بجهت با هر یک افکار را در امر خود حضور خود بوظیفه خود مشغول گردد و تمام بجهت با در محل محفل روحانی و مسئول و مطیع آن کیفیت انتخاب ابتدا هر بجهت مجبده اعضای محفل روحانی ولی چون محافل روحانی تجدید شود تمام بجهت با منحل گردد و محفل جدید بجهت بائی مجدداً انتخاب نماید «

و در خصوص عالیترین طریق انتخاب محفل روحانی قوله ایلخ :
 « چون در آثار مصرح نیست حالیه بهمان اسلوب ده سال اخیر ایام حضرت عبدالبهاء برقرار باشد و بیت العدل عظیم برقرار خواهد بود عجا
 با طریق ساده انتخاب و آزادی مطلق و با وجود آن تمام و صفای باطن
 انتخاب میکنند و اشخاص غائب که معرفی آنان ممکن نیست انتخاب میشوند
 و اکثریت نسبی معمول است «

و قوله الهادی : « همچنین چون وقت تجدید انتخاب اعضای محفل روحانی بمیان آید باید هر یک از افراد اجزاء تصویب یعنی ابدایی را

را از وظیفه مقدسه و جیدانی خویش شمرد و بقدر امکان اہمال در این امر
 نماید مستقل از رای در نہایت توجہ و خلوص و تجسس و دوا فارغ از ہر تار و
 نغیہ و معاصدہ شخصیتہ نفوسہ را کہ خالصاً و جیداً ناقابل این مقام کہ خصوصیت
 محفل مقدس روحانی است داند انتخاب نماید یاران طہران باید درین
 امر سرتیج جہانگیران گردند زہار زہار در آنجا منتہا خراب و مل
 خارجہ بلاد غرب و شولات و عوائد و رسوم مضرتہ شان از قبیل ترکیب
 و پارتی بازی و پروچکاندگی حتی ہمیشگیہ است جمیع اجناس و در نفوس
 یاران ادنی تاثیری نماید و روحانیت را بکلی سلب نماید یاران باید بخل
 و صفا و حب و وفا و یگانگی و خیرخواہی بسنیان این معاصدہ قویہ را برآوردند
 نہ انکہ تعلیق نمایند و ناستی کنند تا ازین عوامل و احکام و عوائد کلی بیزاد و برتری
 نگردند روح الہی در جسم عالم بلکہ در جمیع اجزاء آن تاثر و نفوذ کلی را نماید «
 وقولہ المطاع : در سوال دوم راجع بدستور انتخابات محافل روحانی
 است علی العبادہ سن انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان نباید کمتر از
 بیست و یکسال باشد و از بیست و یکسال بالا حدی ندارد در خصوص محافل

روحانی قراء در وقتی که با محافل روحانی بلوکی و قصبه مربوطند در صورت
اتفاق امر مهمی میتوانند راستاً به محفل مرکزی ایران در طهران مخبر نمایند
و تقاضای مساعدت و کمکی بکلیف نمایند «

و قوله النافذ : « در خصوص صده اعضای محفل روحانی در وقت حاضر
صدها عضو محافل باید از نه تجاوز نمایند و این مستمرا در نظر با وضع حاضر
موقتی است نه دائمی «

و قوله المستنظم : « مکن بدانند که انتخاب در درجه اول و ثانی سری آزاد
است حتی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب و رأی زوجه جائزند و همچنین
باین افراد یک خانواده این انتخاب باید مکتوم باشد ابداء رأی و تصویح
اسم همیشه مجزبه جائزند و البته باید اندسائس و مناسد و مکاره سیاستون
اجتناب نمایند و با توجهی تام و نستی خالص و روحی آزاد و قلبی فارغ اقدام
نمایند «

و قوله العدل : « در عین انتخابات رجال و نساء از من حیث
ویک و مانوق آن هر دو حق تصویب معنی ابدای رأی در انتخابات دارند

ولی مجبور بتصویت نیستند اگر خود را آگاه و مطلع بر او ضاع امریه نمایند
انتخاب نکنند و ابدای رای نمایند «

وقوله بفصل : « عزت و تقدم جامعه بهایان منوط با انتخاب نفوس
سلیقه مؤمنه فعاله است انتخاب محفل امری است سری آزاد عمومی
دیده مذموم استعفا و کناره جویی ممنوع یاران را فوراً متذکر دارید که
من دون استناء مشارکت نمایند «

راجع با استعفا دادن اعضا محفل از عضویت پس از انتخاب فرمودند :
« حق استعفا نداشته و ندارند و تشخیص و قبول منذر از خصائص محافل مجتبه
است هر نفسی اطاعت نماید از سرورین محبوب و از حق انتخاب و عضویت
محافل محروم

در ارجح بقیاب بعضی از اعضای محفل روحانی در موسم تابستان فرمودند :
« آنچه در دستور بهائی تصریح نگردیده راجع بانسانی محفل ملی است
هر قراری را در امور فرعیته دهنه مقبول و مجری است «

وقوله بالمطامع : « ان شاء الله بمنه و قدرته و هدایتیه محافل روحانیته

ده هر شهر و قریه در ایام سعید رضوان در نهایت شکوه و مسانت و کمال
الفت و اتحاد انتخابات معنوی را تجدید نمایند و پس از انتخابات فوراً
هر محفل خصوصی بواسطه منشی خویش اسامی اعضاء مستحب مع عنوان کامل
منشی را نزد محفل مرکزی طران ارسال دارند تا این محفل مقدس مرکزی صحیح
اوراق را جمع نموده سر بیا بارض اقدس بنام این عبد ارسال دارند «

وقود بطاع : « از قبل تا یک گشت استعفاء قبل از انتخابات ممنوع
گردد مگر آنکه عذر شرعی داشته باشد راجع بعوض شدن اعضاء و تغیر در
بیات محفل اخطار باجاء راجع بعدم انتخاب ممنوع تاخیر از نوبت
و مؤنات باید بکمال توجیه و خلوص و تامل و تدبیر نفوس مؤمنه مخلصه مجرب
مستعدده مستعد که قابل عضویت اند انتخاب نمایند و آنچه اکثریت حکم
نمایند بان متمسک گردند عدم تغیر در بیات محفل وقتی ندارد «

وقود بطاع : « در این سده که سده اخیره قرن اول بهائی است
انتخاب و تشکیل محافل روحانیه قبل از حلول عید عظیم رضوان جائز و
منحصراً این است لا غیر «

بیات نظار

در ابلاغیه است : « آمارج بمبادا انتخابات تعیین نظار مستعدیه برای سیع اوراق آراء که همه ساله از طرف محفل مقدس روحانی نصیحت و معمول به میباشد فرمودند: بیات نظار باید نفوس زکریه مخلصه مسینه متعده باشند و کمال موانعت را نمایند که انتخابات آزاد و ستری عمومی باشد از عناد و خدعه و وسیله و اگر چه جلوگیری نمایند و مانعت کنند »

نسوان در محافل

وقول المطاع : « و از واجبات اولیه محافل روحانی تهیه و اجرای و سائل فعاله از برای ترقی امر نسوان است خوب است هر محفل روحانی بجز مخصوصا تکلیف دهد و اعضای آن بجهت شب و روز در تشویق و تحریض و تعزیر و تکریم حضرات اماره الرحمن و تعلیم بیات و احوال و توسعه محافل و مجالس نشاء و معاونت آنان با رجال در خدمات امریه و تکلیف اساس محافل روحانی دائما افکار و اوقات را حاضر نمایند و این عید امیدوار است که در ایام ضوآن چون انتخابات محافل روحانی تجسدید گردد حضرات نساء که بر مجاری امور

مطلع اند در انتخابات اعضاء شریک رجال گردند و آنرا نگه بنور گایه بسنی
 و طبع اطلاع کافی حاصل نسوده بجام قوی بکشند تا کس استعداد و اطلاع
 نموده برود آیام چون امر محاب تدبیر و بحسب حکمت آیه تخفیف یابد و از
 میان رود نساء و رجال برود در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک
 و سیم و معاون یکدیگر گردند و بچند یوم فرود مبارکی خواهد رسید و اما اگر آن
 در انجمن یاران ظهور و بروز عجیب نمایند «

حقوق متبادل محافل روحانی و جماعت

وقود المطاع : « امید و طیده چنان است که چون در یوم اول می رسید
 رفوان انتخابات محافل روحانی در تمام نقاط در شرق و غرب و نهایت
 روحانیت و منانت و جلال و کمال تجسد کرده و اجابت من بدن استثناء
 بدل و جان متهدا اقدام نمایند نفع عشاء و تخمه در هر نقطه قبل از مباشرت
 بانجام و طائف مقدسه خویش رجوع بکلمات آیه نمایند از جمله
 آنکه باید خود را خادم امین حقیقی اجابت الله شمرند و نظر را متوجه و حصر در
 منافع عموم و مصالح ابراهیم نمایند تا نظر باشخاص و متمسک بقاصد و

مآرب شخصیه کردند باید زای خود را در هر امری و در هر عصبه در نهایت حدت
 در روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از شورا
 کامل و مذاکره تمام رای اکثریت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون
 ادنی کدورت و بخش اجراء نمایند و لوائیکه رای اکثریت مخالف واقع
 و عاری از صواب باشد چه که این است حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز
 و انحراف از این امر مخصوص مجاز «

و قوله تصریح : « معلوم یاران چه در داخل چه در خارج محفل ایستاد
 روحانی را نمایند خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجراء آتش رکشند
 و همچنین اعضای محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم احباب دانند
 و مرجع مصالح روحانیه یاران شمرند «

و قوله الذین یعمیقون : « اعضای محافل روحانی محلی و مرکزی باید از
 مآرب و منافع و مصالح شخصیه فردیه خود بیزار و دورکنار باشند و نظر بر همه
 ترویج مصالح جسمه و فواید عمومی و پیشرفت جامعه بهائی نمایند و در امور
 مفروضه موقوفه و تفحص و تعمق نمایند و بعد از انصاف حکم فرمایند

در امور موجود در کمال صراحت و صداقت و جدیت مشورت تمام نمایند
 و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استنار مشارکت کنند و پس از
 مشورت کامل متشکک بحکم اکثریت گردند و تصمیم قطع نمایند و پس از تصمیم
 من دون تأخیر و تردید تنفیذ و احسب برای قرارداد و ای خویش جهت طبع
 مبذول دارند «

توزیع کارهای محفل

و قوله المطاع : « در نقاطی که امر است باندازه کفایت وسعت یافته
 برای حسن جبر میان امور و منع اعتشاش و در هم بودن مشاغل هر یک از
 این وظائف مختلفه در عمده بجهت گذارده میشود که هر یک در مقابل محفل
 مسوولیت خواهند داشت و اعضای این بجنات از میان حسابی همان
 محل انتخاب شده و بایستی متفکر و متخصص در وظائف محوله باشند عملیات
 بجنات را آنها و همواره تحت نظر محفل روحانی محلی است «

و قوله المطاع : « اعضای هر بجنه را محفل روحانی خود انتخاب
 نماید و در ظل اطاعت و اداره خود آورد و مرجع و مخاطب محفل روحانی است

و سایر بنده ماکمل اجزای آن محفله و مسؤل و در نظر آن «

مجازات متخلفین از او امر محافل و کاتین عقیده

و قوله المطاع : « نفسی که اطاعت او امر محفل را نمایند و با وجود تکرات

و اندازات متابعه عمرد و مخالفت نمایند از حق انتخاب در جامعه و عضویت

محافل روحانیه هر دو محروم حق حضور در جلسات ضیافت نوزده

روزه از آنان مسلوب است »

و قوله المطاع : « در نفسی در این سوار عقیده را کتمان نماید و یا آنکه

از قبول رأی محفل استکفاف و زرد از حق انتخاب و عضویت محافل روحانیه

هر دو محروم «

و قوله القاطع : « نفسی که تمرد نمایند و مخالفت کنند و اجرای

عقد اسلامی نمایند رجوع و قبولشان در جامعه مشروط بفسخ و بطلان

آن عقداست و اجرای مراسم بجهانی و اظهار ندامت و پشیمانی

در نامه مخصوص خطاب بانمای آن محفل مقدس «

بخش ما

دوره المطاع : « محفل روحانی یگانگانه مرکز تمام شوون و اقدامات و خدمات روحانیه اجباراً الله و امام، ارحمن و رحیمه طهران است و چون دائره اش وسیع است و عبادت امور عمده عمومی امریه که رابع باقیم ایران است محمول بآن گشته باید بجهتانی مخصوص خود اعضای محفل روحانی انتخاب و تشکیل نمایند و هر امری از امور عمده را بیک بخش از این محفل نمایند از جمله بخش تبلیغ و بخش معارف امریه و بخش تعلیم و تربیت اطفال و بخش تربیت و تنظیم محافل و مجالس و بخش طبع و نشر النواح و آثار مبارکه و بخش امور عمومی و مساعی علی ذلک هر یک را بجهت مخصوص محمول نمایند و خود اعضای بجهت انتخاب کنند و اطلاعات عمومی بر اقدامات هر یک داشته باشند و تمام بخشها از شعب محفل روحانی محسوب و در نظر آن مسؤول اعضای آن است »

دوره العمل : « عدال را از دست ندهند چندین محدود و چندین آزاد خود مختار باشند »

صندوق خیریه

دوره المطاع : « باید در تاسیس، توسعه صندوق خیریه کوشید تا تاسیس

آن در هر نقطه لازم و باید یاران از اعضا و غیر اعضا بقدر استطاعت
خوش طوعانه کرنا اعانه باین صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند
تسلیم این صندوق محفل کنند تا بصوابید اعضای محفل روحانی در
امور خیریه و ترویج امر الله صرف گردد و معاونت انبیا از محبت این
و مساکین و ایام و اراذل و عیسویه و فقرا بسیار لازم و واجب «

اعانت و مساعدت

وقوله المطاع : « در هر هنگام جهد جمیل مبذول دارند تا روح مساعدت
به فقرا و مرضی و ناتوان ایام، بیکسان و اراذل که از هر شراد طبقه و یا
عقیده باشند در اجابت قوت یابد یا جمیع قوی بکوشند تا وسائل ترقی
صوری و معنوی جوانان را از هر حیث فراهم سازند در تربیت اطفال
و از دیاد تسهیل طرق آن بکوشند در هر نقطه که ممکن و سیر است مؤسسات
تربیت امری ای بنایند عملیات آنها را در تحت نظر گرفته و کلیه طرق و تعالی آنها را تکمیل نماید

تعمیم تربیت و تعلیم

وقوله المطاع : « تعمیم معارف و ترویج آداب و شعائر و احکام بپایه

است باید بقدر مقدور در این ایام که ملت از خواب غفلت بیدار گشته
 و حکومت در فکر ترفیع و توسعه مؤسسات علمی خویش افتاده نمایندگان جهانیان
 در آن سامان چنان قیامی نمایند که با هر هم حالیه آنان در برقریه و تصبیه
 و بلده در کافرا ایالات و ولایات تمهیدات اولیه از برای تأسیس معاهد علمیه
 و ادبیه و دینیة مجری گردد و اطفال بهائی من دون استثناء ببادی قرائت
 و کتابت را بیاموزند و با آداب و رسوم و شعائر و احکام مخصوصه کتابت
 مانوس آشنا گردند و در علوم و ببادی فنون عصریه و اخلاق حمیده زکیه
 و آداب و شعائر بهائیه چنان ممتاز از سایرین گردند که علوم طوائف از اسلام
 و زردشتی و مسیحی و کلمیکی و بیسی اطفال خویش را بطیب خاطر و رغبت تمام
 در آن معاهد حالیه بهائیه گذارند و بدست مربیان بهائی سپارند و همچنین
 اجراء و تنفیذ احکام مخصوصه کتابت است «

وقوله المطاع : مد و از جمله وظائف مقدسه محافل روحانیه تعمیر معارف
 تأسیس مدارس و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عسوم بنین
 و بنات است هر طفلی من دون استثناء باید از صغیر سن علم قرائت و کتابت را

که تا تمحیص نمایند و بحسب میل و رغبت بقدر و مقدار استعداد خویش
در کتاب علوم عالیہ و فنون نافعه و لغات مختلفہ و حرف و صنایع
موجودہ بہت وسعی موفور بندول نمایند

خطیرۃ القدس

وقول المطاع : « و آنچه الیوم تیز از لوازم ضروریہ و جالب و جاذب
برکت سماویہ و کامل حفظ و حرمت بندگان حضرت احدیت است
وقف و تخصیص مطلق مناسب از برای تعیین مرکزیت اراقہ است
در ہر نقطہ ارتقا امریہ باید یاران الهی در صفحات شرق نظر قضیاتی
حالیہ بلاخط و اعتدال و سکون و حکمت و آرامی حرکت نمایند ولی مقصود
حکمت خاموشی و فراموشی و اہمال و تاخیر در جہای این امر نہ بلکہ مقصود
آن است کہ اعلان مرکزیت درین جہہ ہو بگردد و اسباب ہمہ جہہ
و ہیاہوی ناس نشود ولی تعیین مرکز و لودرزیر زمین باشد از احتیاجات
شدیدہ این یوم عظیم است اگر ممکن و ادنی مانع نہ اجتماعات
عمومیہ از برای ترسیل الواح و ادعیہ و مناجات و انعقاد محافل روحانیہ

و مجالس تسبیح و نطق و تذکار و اعیاد و ضیافت کمال در آن نقطه و لو چه
نقاط باشد جمع و مکرر و اگر مناسب باشد در مستقبل بنیان رفیع
مشرق الاذکار در آن نقطه مبارک نیز مرتفع شود و علی نور گردد و آن نقطه
خطیرة القدس نامیده شود تا نغمات مسکینة تصرفات قلبیه و مذاکرات
روحانیة و اجزایات جلیله اهل کعبه از حظار قدس بصفحات مجاوره
سرایت نماید و شام مژگوم این عالم علیل را بار نماید و معطر و مغربین کند
و در ابعانی است : در راجع بحظیره القدس امر و اراده متقدره متعالیه
چنان که این بنیان باید من جمیع ابجیات جامع و مکتل و وزین و نماز
باشد و مجامع عمومی و اعیاد و جلالت محفل روحانی و بحسنه های امریه
و کتابخانه امری و محفوظه آثار ملی و دایرة محاسبات و معاملات محفل
روحانی و بجهت های آن نیز جمعا مقرر در این مرکز گردد تا متعالیس تأیید شود
و در انظار عموم جلوه حیرت انگیز نماید و اگر چنانچه نمایش داده میشود باید از
حد آداب بهائی تجاوز ننماید نمایش ادبی و تاریخی و امری باشد تعقید
اقوام و ملل خارج بسیار مضر و علت توهمین امر آنست که ایجاد مفساد نماید

و مضر باخلاق جوانان است زیرا محیط مستعد اینگونه مفاسد و مکاره و
 افراد انالی یقید و وجهان بغفت و لاندیبهی متوجه اجبار باید مقاومت
 نمایند و در رفع این مفاسد بکوشند نه آنکه ترویج و تعلید نمایند این
 مسأله باید بجهت جوانان و بجهت ترقی امارت از من تاکید و سفارش شود
 و تصریح و تفهیم گردد «

مسافر خانه

در ابلاغیه خطاب بمحفل مقدس روحانی طران است :
 « حسب الامر اقدس حضرت ولی امر الله ارواحنا لغیاة العداة و
 تائیس محلی در شهر شمشیری بهم مسافر خانه لازم تا اجبار و حضرات مبلغین
 در هر جا وارد شوند از جهت محل و ناوی اشکالاتی برای آنها نباشد
 و دیگر مسافر خانه از تائیسات فرعیة خطا اقدس است فرمودند باید بهت
 محافل روحانیته تائیس شود و موقع آن در شهر شمشیری باید در جوار
 حطیره القدس باشد حسب الامر مبارک مرقوم گردید

منع از تقیّه و کتمان عقیده و امر به ثبت اسامی در دفتر محفل

و محافل مرکزی ملی و انجمن شور روحانی

و خطاب به محفل عشق آباد قوله بطالع : مد امر مهم تبلیغ محابرات
 رهنیه امریه ترتیب محافل و مجالس تائیس و اشتراک به مجلات امریه
 طبع و انتشار الواح مبارکه و کتب و مقالات امریه امر مشرق الاذکار
 انشاء و اداره مدارس مجبانی و سایر تشکیلات خیریه علیه امریه در هر نقطه
 از نقاط کل باید در تحت اداره و با اطلاع و موافقت محفل روحانی باشد
 و امر هر یک را محفل روحانی محول بجهت مخصوص نماید و بعضی آن
 بجهت رانفس محفل روحانی درین تشکیل انتخاب نماید و در نقل و اطاعت
 خود آورد و آنچه را محفل روحانی با کثرت آراء امری از امور خارج از
 دایره منطقه محدود خویش داند و آن امر را مسأله کلی مهم امری شمرده
 تعلق بدارند و در تمام تسلیم دارد آنوقت به محفل مرکزی اجبای تکلیف
 مراجعه نماید و محول باین هیات مرکزی کند و تمام محافل روحانی در نقل
 و مطیع و مسؤل محفل مرکزی آن قلمینند اجبای محفل باید این محافل را

چه خصوصی و چه مرکزی تعویب نمایند و افراد کمال نمایند و تصویب قراردادها
 محفل روحانی خود نمایند و اعتماد بآن نفوس کنند و بتعاون و تعاضد قیام
 نمایند و در همین انتخاب اعضای محفل روحانی مؤسین و مؤنسات هر دو از یک
 بیت و یک و مافوق آن حق تعویب یعنی ابدای رأی در انتخابات
 دارند ولی چون مجاب در شرف مانع است و معمول به نساء عجمه از حق
 عضویت در محفل روحانی ممنوع است بخینده منتخب و اما تشکیل محفل مرکزی
 اقلیم ترکستان باید منتخب فتنیس باشد یعنی اجاء و اما، الرحمن از آن
 بیت و یک و مافوق آن بحسب تعداد و قوه شان در هر نقطه از نقاط
 امریه عده و کلافی از باین خود انتخاب نمایند و این و کلا یا در یک نقطه مجتمع
 شده و یا کتبه آنرا انتخاب نمایند و امور تبلیغ و مناجرات امریه و ترتیب
 محافل و مجالس و اشتراک به محلات امریه و طبع و انتشار الواح و کتب و
 مقالات امریه و امر مشرق الاذکار و انتشار و اداره مدارس بحسانی و سایر
 تمکینات خیریه علییه امریه که راجع به نقطه مخصوص از نقاط امریه نباشد بلکه
 راجع به صالح عمومی امریه در آن اقلیم است هر یک را باینجه مخصوص محل

نمایند و این بمنبر ناما تا در ظل محفل مرکزی بپسند مسوول بعضی آن
مخفند و مطیع و متقار آن «

و قوله المطاع : « در خصوص انتخاب محفل روحانی ملی و طریق آن در
است که در الواح و صحایا اشاره مصرحی در این باب نگشته ولی حضرت علی
در یکی از الواح اولیه خود که یکی از دوستان در ایران خطاب فرموده بیانات
ذیل مصرحاً مرقوم است : « در هر زمان که جمیع اجزاء در هر دیار و طائفی تعیین
نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس همایی را انتخاب نمایند
بیت العدل عظیم است « این کلمات بجای میماند که انتخاب دارای سه
درجه یا سه رتبه است در الواح و صحایا مصرحاً مرقوم است که بیت العدل
ثانوی (محفل روحانی ملی) بیت العدل الهی را انتخاب نمایند همین
نکته است که می فرماید اعضای محفل ملی باید غیر مستقیم از بین یاران هر مملکتی
معیّن شوند و بواسطه همین دستور مکل بود که در مرقوم خود مورخه ۱۲ مارچ
۱۹۲۳ از جای عزیز الهی در هر مملکتی درخواست شد که نمایندگانی انتخاب
نمایند تا آنها بنوبه خود نمایندگان ملی را معین نمایند و بیت عدلیا یا محفل

روحانی ملی ، و امتیاز عظیم و وظیفه شان همان انتخاب اعضاء بیت عدلی
 الهی است بر عهده محفل روحانی ملی است که اقدام کاملی بنمایند
 تا محفل محسلی بدون استثناء فوراً پس از انتخاب صورت اعضاء و عنوان
 صحیح و کامل غشی خود را برای غشی ملی ارسال دارند و او نیز بر خود عنوان غشی
 را با انضمام صورت اعضاء محفل ملی مستقیماً بعنوان من بفرستد و این نیز
 بسیار مناسب و موافق است در صورتیکه تصفیات ایجاب نماید محفل ملی
 طرق و وسائل وسیع آوری صورت اسامی کامل و موثق نمونین رسمی
 با انضمام عنوان نفوسی که در محل ثابت سکنتی دارند فرا هم آورند
 پس از ترتیب چنین صورتی دائماً اثر تحت نظر داشته و هر نوع تغییر و تبدیلی
 در آن تصحیح کنند و این مخصوصاً برای نفوسی که دارای محل ثابتی میباشند و
 در نقاط مختلفه مملکت دور از مجامع ساکنند بسیار مناسب است و همچنین
 بجهت جمعیت های کوچکی که هنوز تشکیل محفل ملی قادر نگشته اند خیلی
 موافق نظر میآید

و قوله المطاع : « آنچه از حیث اصول راجع به کیفیت انتخاب قلم میانی

تصریح فرموده آن است که باید محافل مرکزی روحانی بهائیان ایران که من بعد بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت مستقیماً اعضای بیت عدل عظیم الهی را انتخاب نمایند و همچنین منصوص و مقرر است که این محافل مرکزی در مالک شرق و غرب باید با انتخاب عمومی در هر مملکتی علیحده بخوی غیر مستقیم منتخب شوند یعنی جمهوریت در مرتبه اولی و کلای خویش را انتخاب نمایند و این بیات و کلای مستقیم که حال در خطه ایران با پنجم شوروی روحانی موسوم و موصوف است در مرتبه ثانیه بیات مجله محفل مرکزی آن اقلیم را مستقیماً با انتخاب عمومی انتخاب نماید حال نظر بوسعت جامعه امر در آن اقلیم صلیل و تعدد محافل روحانیه و تأسیس قسمتهای اتریه حسن داوودی آنکه و کلای جمهوریت را که بعد از آنکه نو در پنج (۹۵) تعیین و تخصیص و تحدید گشته در هر قسمتی جداگانه جمهور مؤنسات و مؤمنین از سن بیت و یک نه محافل روحانی در آن قسمت انتخاب نمایند یعنی عده تعیین از و کلار با نسبت به بعد از بهائیان آن قسمت مستقیماً از طرف جمهور اجبای آن قسمت انتخاب کرده بخوی که مجموع و کلای

تمام قسمتهای امریه بالغ بر نود و پنج فرد و از این عدد مبارک تجاوزه نماید و برین
و تخصیص عدد و کلا از برای هر قسمتی از قسمتهای امریه راجع به محفل روحانی
مقدس مرکزی آن اقلیم است و چون این هیأت و کلا از طرف جمود
بهائیان در هر قسمتی انتخاب کرده باید این هیأت مجلّه نمایندگان اگر چنانچه
اجتماعش در نقطه ای از نقاط غیر مستقیم و مناسب با انتخاب کتبی مباشرت
نموده در هر سنه در ایام عید سعید رضوان از بین عموم بهائیان آن کشور
مقدس مجتمعا از نظر انبساط وقت و خلوص نیت و حکمت و ممانعت و
جدیت انتخاب نمایند این در نظر اعضای محفل مرکزی آن اقلیم خواهند بود
پس معلوم و واضح است که بر حسب تعلیمات مقدسه حضرت عبداله
بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر بمحافل مرکزی روحانی معروف
و مشهورند منتخب منتخبند حال آنچه از الزم لوازم احتیاجات و تمهیدات
ضروریه محسوب است ایجاد وسائل متقنه به جهت دو اسطه هیأت نمایندگان
و بیعاضدت محافل روحانی در هر قسمتی از برای تحقیق و تعیین مثبت
عدد کامل حسب مومنات و مؤمنین در هر قسمتی از قسمتهای امریه زیرا

تأیید مؤمنین و مؤمنات تعیین نگردد و معلوم نشود و احصایه مرتب صحیح
 کاملی بدست نیاید اجرای امتحانات علیه روحانیه که از لوازم تکمیل و تأیید
 محافل مرکزی روحانی است غیر ممکن و چون نتیجه تحقیقات راجع بایضاح
 از تمام قسمتها بواسطه نمایندگان بهران ارسال گردد از آن مرکز پس از
 مذاکره و مشاوره با اعضای انجمن شوروی روحانی عدّه وکلای هر قسمتی
 و اعلان و ابلاغ شود و آنچه در تعزیرات غیر منصوص است از آن بیات مجتهد
 بجموعه بایان آن تسلیم بدخمن متحد المال مخصوص صادر گردد و بجموعه مراکز
 در آن تعلیم ارسال شود

و قور المطاع : « عقیده ثابت در اناج من چنین است که برای حفظ
 منافع امری که اینقدر در نزد ما محبوب و معتزّه است و جمیع برای آن خدمت
 میکنیم از وظایف حتمیه اعضا محض علی است که فرزند و جمعا نصاب
 و پیشنهاد و ادعوا لطف نمایندگان انجمن شوروی روحانی را بدست آورده بی
 تحصیل تجسس احساسات آنها برآیند و هر یک را بموقع و مورد خود مستر
 و محفوظ بدارند بایستی از هرگونه کیفیات و احوال نمائش بعنوان ابرار و مخفی

نگهداشتن امور باقره اجتناب دارند از روح کناره گیری و صد نشینی عالمگانه
 احقر در قطعی کند بایستی غالباً با کمال صراحت و صریحت نقشه ها و امیسا
 و افکار خود را در مقابل چشم متجربین خود بار کرده و با مسائل و قضایائی که در سال
 آینده مورد مذاکره و بحث قرار میگیرد آشنا سازند با نهایت مسانت و وقار
 عقاید آنها را بسنجند و با وجدانی منزه و مقدس افکار و نیات آن نفوس را
 تحصیل جستجو کنند تفاوت و آرائشان در حل آن امور بدست آید منحل
 ملی که انتخاب میگرد در مدت چند روزی که انجمن شور و روحانی رسمی است
 و پس از تفرق نمایندگان بایستی طرق و وسایلی اتخاذ کنند که کاملاً کلیه
 مسائل و قضایا مفهوم جامع گردد طرق تبادل آراء و مسائل آنرا سهل و
 آسان سازند علاوه و اطمینان نمایندگان را افزایش بخشند و با انواع
 و مسائل مکتبه مشبث گردند تا تفهیم عموم گردد که گمانه مقصد و اراده آنها خدمت
 در ترقی و سعادت و مسرت عمومی است چه بسا که ضعیفترین فرد جامعه
 و میوادترین دینی تعبیر برین نفس در بین آنها فقط بواسطه قوه الهیه
 و بوسید انقطاع و توکل تام بقوای لاریستیه الهیه بزرگترین و بر

ترین رأی در باره یکی از پیچیده ترین مسائل محفل ملی اظهار نماید بسته
 بایستی انسانی الهی از اینکه نفوس غفلت نوزد و بجمیع پیشه‌ها و اقویه
 تام نموده و مخصوصاً از این قبیل آراء نورانی که صرف از روی عشق و علاقه
 و ایمان ظاهر میگردد غافل نشوند ولی بایستی این نکته مفهومی گردد که چون
 جمعیت انجمن شور روحانی کثیر و ساعات و جلسات طولانی است لهذا
 رای نهائی در باره جمیع مسائل امریه در امر کار مربوط بمحفل روحانی ملی
 است و این بیات باید این حق مشروع را در دست خود داشته نگاهدارند
 و نیز بر عهده محفل ملی است که مواظبت نموده تفحص کنند تا دریابند که آیا
 محافل محلی بر وفق اصول الهیه در پیشرفت امراته میکوشند یا خیر...
 تشخیص و قبول استبانه‌های اعضای انجمن شور روحانی با محفل
 سابق است یعنی محفلی که تشکیل این انجمن شور روحانی دوره اش خاتمه
 می یابد حق تشخیص و تصمیم راجع بنفوسی که حق رأی دارند نیز با محفل روحانی
 ملی است چه در موقعی که محفل روحانی بسید تشکیل یافته و چه در هنگامی که
 اختلافی حاصل شود بین چنین محفلی با محفلی که مدت‌ها رسمیت یافته و قوی انجمن

شور روحانی جلسات رسمی خود را دارند و نمایندگان محترم از بین مسیح
 یاران مملکت اعضاء محفل روحانی ملی را برای سال آینده انتخاب نموده
 بسیار بجا و لازم است که در مسائل فوری لازم تا حد امکان کاملاً در حضور
 جمع مذاکره شده و پس از مذاکرات کافی با تفهیمی نمایند که تحت اود
 تصمیمات بدست آرند این از آمال قلبیه مولای عزیز ما حضرت عبید
 است که یاران در محافل شور محلی و ملی بواسطه صراحت نبود داشتن
 مقاصد عالییه و احراز اتحاد و فکر و نیت و کمال عمق در دره اتحاد آرا در
 جمیع امور حاصل نمایند اگر این در بعضی اوقات غیر عملی بنظر میاید تا چون
 اکثریت مجری گردد و نفوسی که در اقلیت واقع گشته اند باقی بنیاید
 سرت و صرافت طبع و انما تسلیم گردند «

و قوله المطاع : حد و همچنین مذاکره و مشورت تام در تهیه وسائل کامله از
 برای تشکیل محفل ملی روحانی که اعضاء آن نماینده کافه مراکز امریه ایران
 است نمایند زیرا آن محفل باید اقلامی یکی مرتبه در نقطه معین جمع گردند
 و همچنین باید قبل از ایام رضوان در هر سه جمهور بهائیان از مؤمنین

و مومنات از سن بیست و یک بالا در هر قسمتی علیحده با انتخاب عددی
از دو کلاه پردازند و مجموع عدد و کلاه از مقام قسمتهای امریه که بالغ بر نود و پنج
خواهد بود در ایام رضوان علی العجالة در مرکز مجتمع گردند و این مجمع نمایندگان
ازین حسوم بهائیان ایران در کمال توجیه و انقطاع تسوطلا علی الله
خالصاً لوجهه نفس مقدسی که محبت از ارادون و قابل دستگیر این
مقام رفیع مستقیماً انتخاب نمایند و این نفوس زکریه مجتهد که منتخب
متجسّم جمہور بهائیان ایرانند باید اشلای ماهی یکدفعه در نقطه موافق و
و مناسب مجتمع گردند باید حسوم زمین و مومنات کل من دون
استشار بطیب خاطر و کمال رغبت در انتخابات علیه مشارکت نمایند و اسما
خویش را من دون تردید بکمال صراحت و اطمینان در جدول محفل ثبت نمایند
کناره بگیرند استعفا نمایند عقیده کتمان نمایند و از ترقیة اجتناب نمایند
از پس پرده خفا بیرون آیند و قدم بمیدان خدمت گذارند مضطرب
و هراسان نباشند و بجانفشانی قیام نمایند هر امری را فدای این
مقصد اصلی کنند و در سبیل این سید جلیل و امر قویم از هر منصب و مقامی

پشم پوشند و مصاحح شخصیه و ملاحظات نغیبه را فدای مصاحح عمومی
 امریه نمایند حکمت و تقیه در گذشته ایام کامل صون و حمایت مظلومان
 آن سامان بود و یگانه وسیله حفظ و حراست آئین نیردان ولی در این ایام
 چون اعدای امر الهی و دشمنان آئین آسمانی برقع ستر و خنجر از وجه
 حقایق امریه بر انداخته اند و معتقدات اساسی اهل کعبه را کاملاً کشف
 و شتر ساخته اند و با ثبات استقلال شرع حضرت بپا و الله پرداخته اند
 و باین سبب نبأ عظیم را در اقطار و کناف عالم معروف و مشهور نموده
 و تقیه و کتمان عقیده علت توهمین و تحقیر است و در انظار اهل فرات
 بیورد و منقر مخالفین و معاندین این رویه را محل بر صین و خوف نمایند
 و از تاثیرات سستی عقیده شمرند استخفافکم یا اجاره الله بیدل الحمد الجید
 والقیام علی حسذ الامم الا و عرا غطیر و التمسک بهذا الجبل المتین
 و السلوک فی هذا المنهج القوم «

ملکراف از حیفا تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۲۷ - ۳ آبان ۱۳۰۶ (ترجمه)
 تیفانی طهران در موضوع سجل احوال از کتمان دست زار نمایند و بر آن

اطلاع دهید شوقی «

مخلاف از حیثاً : « راجع بقبول ازدواج عموم مؤمنین را در مرکز
و ولایات تخذیر نمایند احدی خود را مسلمان مسیحی و یا زرتشتی معرفی
نمایند مسامحه و مسامحه در این مورد تبری از امر الله است و تبری محمد
انتقابی عظیم است و موجب حیرانی شدید زنهار زنهار «

و قوله الاکید : « در این ایام یاران باید من دون استناده در هیچ
نقاط ایران استقامت نمایند و هیچ وجه من الوجوه خود را تابع ادیان
سابقه و شرایع منسوخه معرفی نمایند و در امور اداری کافی است باقی از
مقررات حکومت و اوامر دولت سرمونی منحرف نگردند و تجاوز نمایند «
و قوله بتصریح : « راجع بیا داشت در موضوع ازدواج بجهانی
آنچه رئیس الوزرا انگاشته اند صحیح و متین است یاران را تشویق نمایند
از موانع حالیه و مشکلی داره نایوس و محسوم نگردند بلکه استقامت
نمایند و از صراط مستقیم منحرف نگردند «

و قوله المطامع : « لجه صراحت و شجاعت و صداقت یاران شایسته

عظیمہ درجامعہ تجسد و علت اشہار آئین نازین در آن سرزمین .
 ہر چند از ذریعہ منغصل و از استخدا م محروم و بختارت مادی بتلاولی
 در حقیقت بگر عظیم و سود بیگران غائر و متعجز زیر اہمادی قیامہ این
 امر ناظرند و استقلال شرع بین را مروج و بہ جبل صداقت تمسک
 و تثبیت

و قول الملوک : « استقامت یاران سبب یاس رؤساء و علت انوار
 و عود حتمیہ الہیہ در آن عظیم است و در وہ بیات خستی گردد و شمس
 و سعادت از افق آن ارض طالع شود »

در ابع بچواب مزدومین بجمالی در محاکمات قضات و مستنطقین
 قول الالکید : « این جواب صحیح و ستین البتہ استقامت
 نماید »

و قول المطاع : « در خصوص محافل ملی باید بداند کہ این یکی از
 ہمترین مسائل ہر کشوری است و در اقلیمی کہ اوضاع مستعد اظہار
 حاضر و عدہ یاران نسبتاً زیاد است از قبیل امریکا انگلستان و آلمان

خود ایاستی محافل ملی را تشکیل نمایند .

وقود انصاف : در مقصود اولیه از تشکیل چنین هیأتی این است که بواسطه
مشاوره های عمیق شخصی خود محرک و مشوق اقدامات جمعیه دوستان گردند
ایجاد روح وحدت و یگانگی و تشریک مساعی در جمیع محافل محلی نمایند و در
هین حال دائما بواسطه مکاتبه و روابطه با ارض مقصود در تماس ملی باشند
تعمیمات قطعی خصائی اخذ نمایند و در ویم رقبه جمیع امور مربوطه بامر در
کشوری منوط و مربوط بان هیأت و در تن وقت امور امری محکمی در محیط
اختیار و قدرت آن جمعیت قرار گرفته .

وقود مستنم : در علاوه بر اینها مقصد عظیم دیگری نیز بر عهده این
محافل قرار گرفته در الواح و صیایا بیت العدلهای ثانوی تعبیر گشته
در بر طبق نص صریح آن الواح مبارکه بر عهده محفل هر کشوری است که با
جمعیت سایر محافل ملی تمام عالم صده عضای بیت العدل انتخاب
نمایند که با مال رجال بیت العدل جمیع امور امری جهان را متحد ساخته
قوت میدهند مرتب نموده و در اینها میکنند در الواح و صیایا بعد از

بیان مذکور که محافل ملی بایستی بطریق غیر مستقیم ازین اجبا انتخاب گردند
 یعنی اجبای هر مملکتی عددهای را انتخاب نمایند تا این نهایت اعضاء محفل
 روحانی ملی آن مملکت را ازین حسیع یا ازین آن کشور انتخاب کنند در
 ممالک امریکا و انگلستان و آلمان عدده منتخبین ثانی بطریق ذیل میباشد
 ۹۵ نفر امریکا که شامل حزب اثر پارتیست نیز هست ۹۵ آلمان و ۱۹
 انگلستان بنابراین دوستان هر محفل که عدده اجباء بالغ رسمی آن از ۹ نفر
 زیادتر است بایستی منتخبین خود را که عدده آنها نسبت مستقیم اجبای قسمت
 است انتخاب نمایند این منتخبین ثانوی یا با مکاتبه و یا با تجمع هر مرکزی است
 مانند اعضاء انجمن شور روحانی تعلیماتی در خصوص امر امری آن تسلیم
 اتخاذ نمایند پس ز نفر ازین حسیع اجبای آن کشور انتخاب نموده که تسلیل
 محفل روحانی ملی دهند محافل ملی تا هنگام تاسیس بیت العدل عظیم بایستی
 هر ساله انتخاب شوند و وظائف بسیار سنگین بر عهده آنهاست چه که بایستی
 جمیع محافل محلی را در حیطة اختیار و مراقبت خود قرار داده اقدامات
 یار از اداره نمایند و با نهایت قوت در حفظ امر اتمه کوشیده و امورات

مربوط با مراد و سر تا سر اقلیم خود در تحت مراقبت و وقت دلی خویش
 قرار داده تصمیمات کلیه منوط بمسائل امری مملکتی را از قبیل ترجمه و انتشار
 کتب و ابواب مشرق الاذکار از تسلیع و اموری از این قبیل که بکلی
 مجزی از امورات محلی است در تحت سرپرستی و مراقبت خود مقرر دارند
 تصمیمات قطعی نهاییه در جمیع امور مربوطه محوله باین است .

دوره المطاع : - اگر گزینش توأم با انتخاب محصل ملی در روز اول عنوان
 عملی میشود بایستی اقلاد در مدت ایام رضوان عملی گردد وقت مقرر گزینش را
 باید محصل ملی مصنن نماید که تجدید انتخاب شود اگر قرار گذاشت که منسوخ
 باید نوعی کند که بکلیت صورت گیرد و اگر یکی از نمایندگان نتواند در مجامع
 حاضر شود عیبی نیست که رای خود را کتباً بمعنوان خشی ملی برسال دارد
 ولی در دوره اول وجود حضور هر نماینده در انجمن ملی ضرورت دارد تا بتوانند
 بعد از مراجعت و قیام انجمن و تصمیمات و پیشرفت امر را با انتخاب کنندگان
 و غیرهم برسانند .

دوره الملوکده : - محافل ملی هر کدام از این امور مختلفه مستنطقه را

بمبنای محول دہشتہ اعضاء آن بجائے ازین جمع اجبای مکتبہ امتحانہ

یکرند روابط این بجائے بمحفل ملی مانند روابط محافل محلی و ملی است .

وقولہ المطاع : « در ایام رضوان چون میعاد تجدید امتحانات محافل

محلی و مرکزی رسد بدل و جان باین امر خطیر من دون استشارت اقدام نکنند

در این عمل مبرور بر یکدیگر سبقت جویند و پس از تجدید نسبت به امتحانات معنی

امناء و اعضاء مستنجد و عنوان نشی محفل را من دون تأخیر تعطیل محفل

مرکزی تعلیم خویش رسانند و محافل مرکزی ہمت در جمع اوراق نموده

صورتی از آنرا کاملاً در نزد این عبد باسرع مایمکن ارسال دارند .

وقولہ المطاع : « و نیز از اختیارات محفل ملی است کہ برخی مسائل را

محلی و بعضی را ملی تشخیص دهد و یا با کمال امری را منوط و مربوط بہ تصمیم

محفل ملی شمارد تا شخصہ در امری رسیدگی تمام نماید و وقت مخصوص

در آن مصروف دارد .

وقولہ المطاع : « در خصوص مسائل و اموری کہ بایستی بارض مقصود

مراجعه و ارسال شود نیز همین ہیات شور نموده تصمیم میگیرند .

وقود المطاع : ... برای رفع اختلاف و منهدم ساختن اساس فساد
 و خط و قایه امراته از خطرات تفاسیر مختلفه مستبانه که بالمال منجر
 به اذیت دادن قوای اولیه میگردد و جهت ایجاد اتفاق و سرعت
 پیشرفت در امور امریه از فرائض اولیه هر فرد بهائی است که در تعالیات
 این محافل شرکت جسته خود را مطیع صرف تصیمات داشته احکام آن
 بیات را بجا آورده و در اجراء امور امریه با آنها تشریک مساعی نموده با
 نهایت صمیمیت سعی نمایند ترقی و تعالی امراته در جمیع نقاط و از
 جمیع جهات تحریک و تشجیع کنند ...

صندوق

.... لازم است که پس از تکلیف محافل روحانی محلی و ملی بدون ادنی
 تعویق و تاخیری در تهیه ذخیره برآیند و آنرا منحصراً در تحت اختیار محفل
 روحانی گذارند جمیع اعانات و تقبلاتی بابستی باین صندوق تسلیم
 گردد «

وقود المطاع : ... باید اجبای الهی و اناء الرحمن را در تمام کشور ایران

باین امر تمهیدات کرد زیرا اعانه بصدوق خیریه مرکزی مقدم بر اعانه
صدوق خیریه محلی بوده است «

احصائیه

وقوله المؤكد : « البته مؤکد در جمع و انتشار آن اوراق تعیین عدد
مؤمنین و مؤمنات در جمیع نقاط ایران من دون تعویق و استثناء
بهمت بکارند سعی ملین مبذول دارند زیرا اقدام باین امر اولین قدم
است برای احصای انتخابات ملیه و تأسیس بیت العدل خصوصی
ایران و همچنین نفوسى که در پس پرده هستند و خائف و مردودند آنها را
تیر محافل محلیه تشویق نمایند که رسماً و علناً مرتبط بجامعه گردند و اشتراک
در خدمات امریه نمایند «

وقوله المؤكد : هر مرتبه آخری بعموم مراکز امریه بواسطه مراکز قسمتها
اطلاع و تذکر دهند که عموم من دون استثناء در جلال و نساء و اقدام و شرکت
نمایند احصائیه ناقص مقبول نه و علت تعویق و تأخیر انتخابات ملیه
و تعیین عدد و کلاء در هر قسمتی گردد «

وقول المطاع : « اعظم فرائض حقیقه دنیاسته و از مقدمات
 و تمهیدات ضروریه تأسیسات بین المللی آینده تشکیل بیت عدل اعظم
 الهی و استقرار آن در ارض مقدسه و تنفیذ دستورات باقیه منصوصه در
 کتاب وصایات : ۱ تسریع و اهتمام طبع در تهیه احصائیه دقیق
 کاملی از کافه مؤمنات و مؤمنین آن اقلیم از سن بیت و ماورق
 آن و همچنین باید انسانی محافل روحانیه که حافظ و حارس جامعه
 از نفوس سلیمه مخلصه مؤمنه را از بدعیان محبت و انفس شریره مغرضه تمیز
 دهند ۲ باید انسانی محفل مرکزی طهران پس از مشاوره و مجامیره باین
 عید عده و کلهای هر قسمتی از قسمتهای امریه آن سامان را بکمال وقت
 تعیین و اعلان نمایند و عده و کلاء در هر قسمتی باید بانسبه بعدد مؤمنین
 و مؤمنات آن قسمت باشد و مجموع و کلاء از نود و پنج تجاوز نماید و در
 وقت حاضر بیات و کلاء باید محصور بمؤمنین باشد و چون مجاب با کلیه مر
 گردها و بار جمال در عضویت این بیات و محفل ملی روحانی هر دو شرکت
 خواهند نمود ۳ عقد مشورت در ایجاد وسائل و رفع موانع